

سندی نویافته از نیای رضاشاه

مصطفی نوری

کوروش نوروزمرادی

در سالهای اخیر در مورد انتساب نیای رضاشاه به سوادکوه و یا الشتر لرستان نظرات متفاوتی ابراز شد. با توجه به اینکه در این باره داده‌های مستند نسبتاً کمی وجود دارد که بیشتر به نقل قول‌ها تکیه دارند، اسنادی از این دست می‌تواند در کنار نظرات متفاوتی که از بدو تأسیس سلسله پهلوی تا به امروز در آثاری چون سردار پهلوی حبیب‌الله نوبخت، تاریخ مازندران اسماعیل مهجوری؛ رضاشاه از تولد تا سلطنت رضا نیازمند، رضاشاه از الشتر تا الاشت کیوان پهلوان و ... ارائه شد در خور تأمل باشد.

این سند که به کوشش دکتر سیدمحمد منصور طباطبائی (فهرستنگار کتابخانه مجلس) در اختیار نگارندگان قرار گرفت در کتابچه جنگ خطی که منسوب به آقا بزرگ تهرانی است، در کتابخانه نسخ خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۵۸۱۷ نگهداری می‌شود.

این کتابچه یادداشتهای پراکنده‌ای را در بر می‌گیرد که از آن جمله در صفحه ۵ آن علاوه بر یادداشتهای دیگر چون ذکر فرزندان محمدخان سوادکوهی پسر محمدکریمخان سرکرده فوج سوادکوه، شجره‌نامه رضاشاه نیز ذکر شده است. این سند را که شیخ حسن سوادکوهی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش به عربی نوشته است، شجره‌نامه کاملی از این خاندان نیست و تنها سلسله نسب رضاشاه و چراغ علی خان امیر اکرم شرح داده شد. شجره‌نامه‌ای که در پایان کتاب رضاشاه از الشتر تا الاشت آمد اگر چه در آغاز با افسانه همراه است اما از بخشی که با سند مورد بحث در این مقاله تقارن دارد، درست به نظر می‌رسد. نکته تازه این سند آن است که نویسنده پدر ملاعباسعلی و مرادعلی سلطان را که پدر بزرگ رضاشاه است با عبارت «... السوادکوهی» نام می‌برد.

پس از «... السوادکوهی» که نام کوچک آن ذکر نشده است به دو فرزندش اشاره شد. ملاعباس علی که اعتمادالسلطنه از او با عنوان «آخوند ملاعباسعلی سوادکوهی آلاشتی» نام می‌برد و از علمای عهد آقا محمدخان بود که در اوایل عصر فتحعلی‌شاه فوت کرد^۱ و مرادعلی سلطان که از سرکردگان نظامی بود در جنگ هرات کشته شد. از فرزندان او چراغعلی خان است که در کتابچه جمع و خرج مازندران در سال ۱۳۱۶ ق با عنوان «چراغعلی خان سوادکوهی» آمده است^۲ و دیگری پدر رضا شاه، عباسعلی داداش بیگ است. از دیگر افراد سرشناس این شجره‌نامه امیراکرم است. که در دوران مشروطیت به سالار حشمت ملقب بود و پس از کودتای ۳ حوت ۱۲۹۹ به امیراکرم ملقب شد و چون نوه عموی رضاخان سردار سپه بود حکمران مازندران شد. در دوران سلطنت رضاشاه مدتی پیشکار ولیعهد بود و در سال ۱۳۰۹ ش فوت کرد.^۳ سالار حشمت و برادرش ابوالحسن خان صمصام در دوران مظفری و عصر مشروطه از سران فوج سوادکوه بودند.

در گزارشی که سفارت فرانسه از روزنامه شاهین به وزارت خارجه در پاریس نوشته است رضا شاه را از «... قبیله پالانی» معرفی می‌کند.^۴ و برخلاف نظر آقای پهلوان ملک‌الشعراى بهار نخستین کسی نیست که رضاشاه را از ایل پالای می‌داند بلکه در زمان سلطنت رضا شاه نیز در جراید کشور او را منتسب به این ایل می‌دانستند نه «طایفه پاهلونی».

اگر بنا به گفته کیوان پهلوان نیای رضاشاه از الشتر به آلاشت آمده باشد و طایفه «پاهلونی» را بنا نهاده باشد باید در منابع تاریخی از جمله کتب چاپی، نسخ خطی، اسناد و روزنامه‌های عهد قاجار از اجدادش با عنوان پاهلونی نام برده می‌شد. چنانکه در اسناد و جراید از ایل خواجه‌وند و عبدالملکی به کرات نام برده شده که در مازندران می‌زیستند و فوج عبدالملکی و خواجه‌وند به همراه فوج سوادکوه در دارالخلافه حضور داشتند. اما بنا بر سند ارائه شده در این نوشتار و کتابچه جمع و خرج مازندران پدر بزرگ و عموی رضاشاه به «سوادکوهی» مشهور بودند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، «التدوین فی احوال جبال شروین»، تصحیح و پژوهش مصطفی احمدزاده، تهران: فکر روز، ۶۷۳۱، ص ۸۷۲.
- ۲- مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بازیابی ۳۰۱۱.
- ۳- برای اطلاع بیشتر بنگرید به: کیوان پهلوان، رضاشاه از الشتر تا آلاشت، تهران: آرون، ۱۳۳۱. ۴- قزاق، عصر رضاشاه پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه، نویسنده و مترجم: محمود پورشالچی، تهران: فیروزه، ۱۳۳۱، ص ۱۳۶.

